

# ساقی‌نامه‌های خطی

« درباره‌ی نسخه‌های خطی »

دکتر علینقی منزوی

[نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دفتر نخستین، سال 1339، صص 18-50]

## عرفان در لباس بزم‌آرایی و با آهنگ رزمی

در آغاز سده‌ی دهم در دامان ادب منظوم فارسی در ایران نوزادی پدیدار گشت که از سه عنصر عرفانی و غنایی و حماسی ترکیب یافته بود. این مولود جدید تا سده‌ی یازدهم با انتقال به کشور هند به حد رشد رسید و کمال شیوع یافت و از آن به بعد نیز تا پایان سده‌ی سیزدهم کما بیش از آن تقلید شد و کسانی چون عبدالنبی فخرالزمانی م 1037ق و همت‌خان بخشی پسر اسلام‌خان م 1112ق هر یک کتابی در تاریخ این منظومه‌ها و جمع‌آوری نسخه‌های آن تهیه کردند. کتاب فخرالزمانی به نام « میخانه » در 1936م. در لاهور توسط پرفسور محمد شفیع چاپ شده و اکنون نیز مجدداً توسط آقای احمد گلچین معانی در تهران زیر چاپ می‌باشد.

چون من صورتی از این گونه منظومه‌ها برای درج در « ذریعه » تهیه کرده بودم، از من خواستند تا فهرستی از نسخه‌های خطی آن‌ها برای این دفتر تهیه نمایم. چون من برای تعیین تاریخ نظم و شناسایی سراینده‌ی هر یک، بسیاری از آن‌ها را خوانده و از سبک، چگونگی تکامل آن‌ها اطلاعاتی به دست داشتم، دریغ داشتم که از یادآوری آن‌ها گرچه خارج از موضوع است خودداری کنم. و از این روی این مقال در دو بخش فراهم گشت:

۱. پیدایش و تکامل ساقی‌نامه‌ها

۲. فهرست نسخه‌های خطی آن‌ها در کتابخانه‌های جهان

## ۱: پیدایش و تکامل ساقی‌نامه‌ها

چنان که پیدا است صورت ظاهر این منظومه‌ها جنبه‌ی غنایی دارد، لیکن از طرفی با آهنگ حماسی سروده شده است و از طرفی گویندگان متأخر مفاهیم عرفانی از آن‌ها خواسته‌اند. بنابر این ما باید ارتباط دو عنصر حماسی و عرفانی را با این منظومه‌ها دریابیم.

### الف: آهنگ رزمی این منظومه‌های بزمی

می‌دانیم شعر رزمی ما آهنگ خاص داشته و شاعران آن را به بحر تقارب می‌سروده‌اند که از شش یا هشت « فعلولن » ساخته شده است، چنان که تازیان حماسیات خود را به بحر رجز یا هشت « مستعلن » سروده‌اند. اما شعرهای بزمی ما بیشتر به بحرهای خفیف یا هزج سروده می‌شده است.

### توصیف بزم‌آرایی در منظومه‌های رزمی

طبیعی است که یک منظومه رزمی همچون شاهنامه نمی‌تواند بکلی از شعر بزمی خالی باشد و معمولاً در آغاز هر بخش اندکی تغزل و توصیف بزم عیش دیده می‌شود و معمولاً قهرمانان مجالس عیش؛ ساقی و مغنی و شاهد است.

در شاهنامه در موارد زیر از ساقی یاد شده است:

1) در داستان جنگ هفت گردان

ببیمود ساقی می و داد زود      تهمتن شد از دادنش شاد زود

2) آمدن اسکندر به سولی خویش نزد دارا:

بدو گفت ساقی ای شاه فش      چه داری همی جام زرین بکش

3) در داستان در دست شاپور دادن مالکه دز طائر:

بدو گفت ساقی که من بنده‌ام      بفرمان تو در جهان زنده‌ام

چنان که می‌بینیم در هیچ کدام خطاب به ساقی دیده نمی‌شود.

اما کهن‌ترین شعر فارسی که در آن خطاب به ساقی و مغنی دیده شده است در شعر منسوب به فخرالدین گرگانی در نیمه‌ی سده‌ی پنجم است که در فرهنگ‌ها برای ما باقی مانده و گویا از منظومه-بی است که به بحر تقارب سروده است.

بیار ساقی آن آب آتش فروغ  
مغنی بیبا و بیاور سرود  
که از دل برد زنگ و از جان دورغ  
که ریزم زهر دیده صد زنده رود<sup>1</sup>

آری توصیف مجالس عیش و نوش شاهان در شاهنامه‌ها، کهن‌ترین زمینه‌ی پیدایش منظومه‌هایی به نام‌های «ساقینامه» و «مغنی‌نامه» بوده است و به همین جهت است که در سده‌ی یازدهم وزن بحر تقارب شرط اصلی منظومه «ساقینامه» به شمار می‌رفته است.<sup>2</sup>

توصیف بزم‌های شاهانه در حماسه‌های ملی بسیار ساده و تحت الشعاع جنبه‌های رزمی آن منظومه بوده است چنان که مثال آن را در شاهنامه دیدیم و سپس در سده‌ی پنجم فخرالدین گرگانی بر جنبه‌ی بزمی آن افزوده و برای نخستین بار ساقی را مخاطب خویش قرار داده است.

اما در سده‌های هفتم و پس از آن حماسه‌های دیگری نیز در زبان فارسی سروده شد که آقای دکتر صفا آن‌ها را «حماسه‌های تاریخی» نامیده‌اند. بنابر آن چه ایشان یادآوری کرده‌اند این منظومه‌ها از عناصر اصلی و خواص حماسه که در صدر کتاب «حماسه‌سرایی» یادکرده‌اند خالی می‌باشد، مثلاً «سکندرنامه» نظامی و امیرخسرو دهلوی و جامی برای «مردمی که در حال مجاهدت و نبرد برای تشکیل ملیت و مدنیت خود بودند»<sup>3</sup> سروده نشده است، بلکه این حماسه‌ها تنها برای ارضای خاطر برخی از اشراف و شاهانی سروده شده است که با مردم و افکار مردم رابطه نداشتند و فقط برای «تخلید ذکر خویش» و یا حداکثر برای ایجاد

شور در میان سران سپاه خویش، شاعران را مأمور می‌کردند که برخلاف ذوق طبیعی خود و دور از الهامی که از خانواده و جامعه خویش می‌گرفتند. شعرهایی به سرایند و حتی در صدد نبودند که قهرمانان حماسه از خود این مردم باشند. و به همین جهت هیچ‌گاه این منظومه‌ها در دل مردم ساده، مانند شاهنامه‌ی فردوسی جای باز نکرد و «آن چه این شاعران سرودند به ذهن عموم ملت راه نیافت»<sup>4</sup>.

نسخه‌ی حماسه‌های اشرافی به زور زر ایشان استتساخ و پخش شد و باقی ماند، اما حماسه‌های ملی غیر شاهنامه فردوسی بیشتر سینه به سینه منتقل و در قهوه‌خانه نقالی می‌شد تا آن که نسخه‌های کمیاب آن‌ها به روزگار ما و به دوران طبع و نشر رسید.

یکی از خواص این حماسه‌های اشرافی با «حماسه‌های تاریخی»<sup>5</sup> مانند سکندرنامه آن است که در آن‌ها به بزم‌آرایی بیش از حماسه‌های ملی توجه شده است، و هر چه با تاریخ پیش می‌آیم این خاصیت در حماسه‌های اشرافی شدیدتر شده، تا آن جا که حماسه‌های هاتقی خوبشانی و قاسمی گوناپادی در سده‌ی دهم بزم‌آرایی را به جایی رساندند که منتهی به سرودن ساقی‌نامه‌ی مستقل در آن سده به وسیله‌ی امیدی تهرانی و تقلید دیگران از وی گردید..

#### ب - مفهوم عرفانی ساقی‌نامه‌ها

البته درست است که عرفان ما اصطلاحات متعلق به عیش دنیوی و امیال و لذات جسمانی را به کار می‌برده و معانی عرفانی و لذات روحانی را از آن می‌خواسته‌اند، ایشان معانی لغوی را مجازی نامیده و معانی اصطلاحی خویش را حقیقی خوانده‌اند پس عشق مجازی و حقیقی، می‌مجازی و حقیقی و امثال آن در ادبیات ما به وجود آورده‌اند. لیکن ایشان تقسیم «حقیقی و مجازی» را تنها در مصطلحات عیش و نوش به کار نبرده بلکه درباره‌ی اصطلاحات مذهبی نیز همین رفتار را کرده‌اند و از این راه توانسته‌اند در موقع لزوم میان امیال دنیوی و احکام مذهبی مقایسه‌ی ترتیب دهند، و با استفاده از پرده‌ی «حقیقت و مجاز» گاهی دسته‌ی اول را بر دسته‌ی دوم ترجیح دهند. مثلاً عراقی گوید:

ساقی قدحی که نیم مستیم  
از صومعه پا برون نهادیم  
مخمور صبحی السنیم  
از جور تو خرقة‌ها دریدیم  
در میکده معتکف نشستیم  
از جوره تو توبه‌ها شکستیم  
و زدست تو توبه‌ها شکستیم  
\*\*\*\*

در میکده میکشم سبویی  
باشد که بیابم از تو بویی

یا آن جا که گوید:

ساقی بده آب زندگانی      اکسیر حیات جاودانی  
هم خضرخجل هم آب حیوان      چون از خط و لب شکر فشانی  
با ترجیح میکده برصومعه و می برآب حیات و ساقی برخضر پیغمبر می‌خواهد چهار چوب خشک  
قدوسیت را بشکند و بندهای قشریان را پاره کند. اما اگر بدو اعتراض شود، می‌گوید: می‌حقیقی  
توحید را بر آب حیات مجازی دینوی و میکده‌ی حقیقی «مقام قاب قوسین» را برصومعه‌ی مجازی  
چهار دیوار گلین، و ساقی آلت را برخضر جسمانی ترجیح داده‌ام.  
و نیز عراقی گوید:

بیا ساقی آن مست ته جرعه نوش      ببر تا سر کوچی می فروش  
که چون کعبه در سجده‌ی کرده گم      بسازد خراباتی از خشت خم  
این طغیان عرفی علیه خشکی‌ها، و شکستن چهارچوب تقدس مقدسات که به صورت ترجیح خرابیات  
برکعبه ظهور کرده، برای آنان که سنگینی تحمیلات قشریان را احساس می‌کردند لذت می‌بوده است و  
اگر مورد اعتراض قشریان قرار می‌گرفتند به تقسیم «حقیقی و مجازی» متوسل می‌گشتند، که  
خرابیات حقیقی یا مقام قاب قومیس او ادنی را برکعبه‌ی مجازی سنگ و گل ساختمان مسجدالحرام  
ترجیح داده است.

این دست اندازی به اماکن غیر قابل وصول و این شکستن چهارچوبه‌ی خشک مقدسات، برای نهضت  
صفوی که از آذربایجان شرقی و ساحل جنوبی خزر در آغاز سده‌ی دهم شروع شده بود، می‌خواست  
تمام کشور ایران را به زیر سلطه‌ی خود در آورد و سلاحی بسیار مؤثر بود و با در نظر گرفتن  
وضع موجود در کشور ایران در سده‌های هشتم و نهم، یعنی حکومت ریا و سالوسی و تسلط فقیهان  
قشری سنی اشعری به اتکای طبقات عالی برجان و مال و ناموس مردم و خفه کردن هرگونه صدای  
اعتراض به نام اجرای احکام مذهبی به وسیله‌ی محتسبان، آری با در نظر گرفتن آن وضع، به اهمیت  
این سلاح می‌توان پی برد.

یکی از رازهای موفقیت صفویان در تسلط بر تمام کشور همین بند گسلی‌ها و پاره کردن زنجیرهایی  
بود که از مدت‌ها پیش مردم ایران به زبان شاعران خود، از عبید زاکانی تا حافظ شیرازی، بکمک  
آن (قشری گری) جنگیده بودند.

در سده‌ی دهم در ایران حماسه‌هایی به وسیله‌ی هاتقی خبوشانی م 914ق. و قاسمی گنابادی سروده  
شد که هم جنبه‌ی عرفانی آن نمودار و هم بزم‌آرایی آن به اندامی زیاد بود که مورد تقلید معاصران  
ایشان قرار گرفت و ساقی‌نامه‌های مستقل به وسیله‌ی امیدی تهرانی م 916ق. شیرازی م 941ق. و  
صدقی استرآبادی م 952ق. و شرف جهان قزوینی م 961ق. و حیرتی‌هروی م 970ق. سروده شد.  
این ساقی‌نامه‌های مستقل از نظر آهنگ، مانند منظومه‌های هاتقی و قاسمی و به پیروی از نظامی و  
خسرو دهلوی و جامی به بحر هیجان‌انگیز و رزمی تقارب سروده شده بود و از نظر مفهوم عرفانی  
(ضد قشری) از خسرو و جامی نیز پیشتر رفته، و درست تقلیدی از فخرالدین عراقی می‌باشد. از هر  
دو جهت کمک شایانی به پیشرفت کار صفویان کرده است.

لیکن ما می‌دانیم پس از آن که خاندان صفوی از سلاح عرفان و تصوف استفاده لازم را کرد و بر  
ایران کاملاً مسلط شد، دیگر نخواست این اسلحه به دست مردم باقی ماند و خود در صدد بستن دهان  
مردم و خورد کردن مکاتب فلسفی صوفیان و مسلط کردن قشریان برآمد و در 1002ق. شاه عباس  
صوفیان را قتل عام کرد، و بسیاری از ایشان ناچار به هندوستان فرار کردند و به دربار اکبر شاه،  
که برای التیام دادن میان اکثریت هندو و اقلیت مسلمان، ناچار به دادن آزادی مذهبی بیشتر به مردم  
بود، متوسل شدند.

در سده‌ی یازدهم ساقی‌نامه‌های عرفانی در هندوستان به حد اکثر اشتهار، رسید و هر شاعری کمابیش  
در صدد سرودن ساقی‌نامه برآمد.

## II. فهرستی از نسخه‌های خطی ساقی‌نامه‌ها

در این فهرست ساقی‌نامه‌ها را به ترتیب تاریخ مرتب کرده جای نسخه‌های هر یک را نشان می‌دهم،  
باید یادآور شد همان‌طور که خواهیم گفت؛ نخستین کسان که ساقی‌نامه‌ی مستقل سرودند امیدی تهرانی  
و پرتوی شیرازی در سده دهم می‌باشند. و لیکن صاحب "میخانه" و جزوی برای شاعران پیشین نیز

ساقی‌نامه‌ها ساخته‌اند، بدین معنی که از منظومه‌های ایشان شعرهای پراکنده که ساقی‌نامه داشت استخراج کرده و فراهم آورده‌اند و امروز ما ساقی‌نامه‌هایی داریم که منسوب به شاعران پیش از آن تاریخ است، من نسخه‌های آن‌ها را نیز با قید تردید در نسبت، یا فراهم شدن از دیگر منظومه‌های آن شاعر، در این فهرست یاد می‌کنم.

1- سنایی غزنوی (464-525 ق). هیچ کس ساقی‌نامه به دو نسبت نداده جز این که در فهرست کتابخانه‌ی تاشکند (2: 33) مثنوی به بحر هزج به او منسوب شده که آغاز آن چنین است.

بنام آنکه کرد از راه احسان طراحی بدن راپر می‌جان  
2- نظامی م 611 ق. فخرالزمانی عزتی ساقی‌نامه‌ی برای او از مثنوی رزمی وی اسکندر نامه بیرون آورده که در «میخانه ص 17-26» چاپ شده است.  
آغاز:

بیا تا ز بیداد شویم دست که بیداد نتوان زبیداد رست  
3- فخرالدین عراقی (604-688 ق) صاحب "میخانه" گوید: عراقی ساقی‌نامه ندارد، لیکن ترجیع بندی به مضمون ساقی‌نامه دارد که چنین آغاز شود:

در میکده با حریف قلاش بنشین و شراب نوش و خوش باش  
نسخه‌ی خطی آن را بلووشه به شماره‌ی 1645 و 1995 معرفی کرده است. و در «میخانه ص 49-58» چاپ شده است.

این منظومه کهن‌ترین مانند خود است، لیکن تنها فخرالزمانی در سده‌ی یازدهم آن را در ردیف «ساقی‌نامه»‌ها نهاده و به علت نداشتن وزن رزمی (بحر تقارب) خارج از آن‌ها شمرده است.

4- امیر خسرو دهلوی (651-725 ق) شاعر بزرگ فارسی زبان هند. عبدالنبی فخرالزمانی از منظومه‌ی «اسکندر نامه‌ی» وی یک ساقی‌نامه بیرون آورده، که در «میخانه ص 66-71» چاپ شده است.  
آغاز:

بیا تا بشادی و فرخندگی بر آیم با هم دمی زندگی  
5- خواجه کرمانی (689-753 ق). صاحب "میخانه" ساقی‌نامه‌ی از «هما و همایون» او استخراج کرده و چالبی آن را 90 بیت دانسته، و در «میخانه ص 74-79» چاپ شده است.  
آغاز:

بیا تا خرد را قلم در کشیم زمستی بعالم علم در کشیم  
6- سلیمان ساوجی (709-778 ق) هدایت بیت‌هایی از ساقی‌نامه‌ی او آورده، و رشید یاسمی در احوال سلمان آغاز آن را چنین آورده است:

بیا ساقیا مجلس عشرتی بیارای در بهترین صورتی  
و ساقی‌نامه‌ی وی را کهن‌ترین ساقی‌نامه دانسته است، لیکن من نسخه‌ی از آن ندیده‌ام دور نیست بخشی از یکی از مثنوی‌های وی را متأخران بدین نام خوانده باشند.

7- شاه شجاع (723-786 ق) پسر مبارزالدین از امیران آل مظفر (ذریعه 9: ص 499 و 507) در فهرست تاشکند (2: 349) ساقی‌نامه‌ی به وی نسبت داده و نسخه‌ی دیگر آن را که چهارده بیت است محمد بن علی بن جمال الاسلام ملقب به شهاب منشی در فصل پنجم «منشآت» در ضمن منشآت سلاطین آورده است. این منشی می‌گوید: «روزی در مجلس خاص (مجلس شاه شجاع) بحث بیاساقی نظامی در میان آمده بود و حاضران متفق‌الکلمه بودند که بدین نمط سخن نمی‌توان گفتن. پادشاه سعید ملتفت شد و این عقود در سلک عبارت منتظم گشت. بیا ساقی...» نسخه‌ی منشآت با این ساقی‌نامه نزد آقای سلطان القرایبی در تبریز است. گویا لقب ساقی‌نامه را متأخران به این مثنوی داده باشند.  
آغاز:

بیار ساقی آن روشنی بخش روح که چون زهره روشن بود در صبح  
8- حافظ شیرازی (719-792) (ذریعه 9: 222). فخرالزمانی در باره‌ی ساقی‌نامه‌ی حافظ گوید: از هیچ دیوانی ساقی‌نامه‌ی به سامانی به نظر نیامد، مگر از خواجه حافظ و غالباً در آن ایام ساقی‌نامه گفتن متعارف نبوده مگر به دستوری که «شیخ... نظامی... و امیر خسرو دهلوی فرموده‌اند<sup>6</sup> و در

این جزو زمان شایع شده، چنان چه همه کس می‌گویند...». چلبی گوید این ساقی‌نامه در 129 بیت است، لیکن در دیوان او چاپ بمبئی کمتر از این است، و قزوینی در چاپ خود از دادن نام ساقی‌نامه بدان خودداری کرده است، گویا این نام را معاصران فخرالزمانی بدان داده‌اند.

9- داعی شیرازی. م 870 ق. (ذریعه 9: 315) در پایان سته‌ی داعی نسخه‌ی ایندیا افیس ش 1298 مثنوی فارسی هست به بحر خفیف که چنین آغاز شده:

الحمد لواهب الانابه و الشکر لمن له الاجابه

و مولف فهرست می‌گوید شبیه به ساقی‌نامه است، اما نه اسم دارد و نه به داعی منسوب شده است.

10- جامی عبدالرحمان (817-898 ق) صاحب "میخانه" از مثنوی او «خردنامه اسکندری» یک ساقی‌نامه بیرون آورده، و در میخانه. «ص 96-103» چاپ شده است.

**آغاز:**

دلا دیده‌ی دوربین برگشای در این دیرینه‌ی دیر پای

11- نوایی، میرعلیشیر. م 906 ق. در فهرست تاشکند ساقی‌نامه‌ی بوی نسبت داده و دو نسخه‌ی آن را نشان داده است (2: 215-208) و شاید ترکی باشد.

12- هاتقی خوششانی. م 927 ق. خواهر زاده‌ی جامی. فخرالزمانی از مثنوی‌های بحر تقارب او مانند «تمرنامه» یک ساقی‌نامه بیرون آورده و در «میخانه ص 106-110» چاپ شده است.

**آغاز:**

بنام خدایی که فکر و خرد نیارد که با کنه او پی برد

13- امیدی تهرانی، خواجه ارجاسب، شاگرد دوانی و همزمان شاه اسماعیل صفوی که به تحریک سید قوام نوربخش در 929 ق. کشته شد. ساقی‌نامه‌ی مستقل به بحر تقارب دارد که بخشی از آن در "آتشکده" و سپس در "مجمع الفصحاء" آمده، و همه‌ی آن در «میخانه ص 128-131» چاپ شده است. نسخه‌ی آن در مجلس هست (3: 662) و گویا نخستین شاعر که منظومه‌ی مستقل به این نام در این وزن سروده همین مرد باشد.

**آغاز:**

حریفی که این نیلگون خم ازوست شراب طهور و سقا هم ازوست.

در این ساقی‌نامه مانند ساقی‌نامه‌ی نظامی، خطاب به ساقی و مغنی؛ یک در میان دیده می‌شود.

14- اهلی ترشیزی خراسانی. م 934 ق در تبریز. مثنوی به بحر تقارب از وی در کتابخانه‌ی سپهسالار هست. و در فهرست (2: 570) آن را ساقی‌نامه خوانده است. ولی پس از مراجعه آشکار شد که به «سوگند نامه» و نیایش مذهبی بیش از ساقی‌نامه ادبی مانند است.

**آغاز:**

الهی تویی واقف از حال من عیانست پیش تو احوال من

15- پرتوی شیرازی (870-941 ق) اصلش گیلانی و ساکن شیراز و شاگرد ملاجلال دوانی بود. او منجم شاه اسماعیل صفوی شد، و قبر وی در سعدیه شیراز است. (ذریعه 9: 157). ساقی‌نامه‌ی مستقل وی مثنوی به بحر تقارب و عرفانی است و به صلح کل و رها کردن کفر و ایمان دعوت می‌کند، و خطاب به ساقی و مغنی هر دو است و در پایان شبعی‌گری دارد. خدا را به امامان اثنی عشر و به تار و طنبور و چنگ و قانون سوگند می‌دهد و آل عبا را ستوده و پرتوی تخلص کرده است. فخرالزمانی گوید: «بهترین ساقی‌نامه‌ها است و برخی آن را به غلط به فردوسی نسبت داده‌اند...» نسخه‌های آن در (بادلیان 2666) و (سپهسالار 143) و (ایندیا افیس) هست و در «میخانه. ص 112-126» در 281 بیت چاپ شده است.

**آغاز:**

دلا پرده بردار از روی کار به مستی بدر پرده‌ی روزگار

16- اهلی شیرازی ملامحمد. م 942 ق. مدفون در حافظیه‌ی شیراز (ذریعه 9: 113) وی 102 رباعی مانند آن چه برای گنجف ساخته به نام «ساقی‌نامه» سروده که همه‌ی آن‌ها به واژه‌ی «ساقی» می‌آغازد. و یک دیباچه‌ی نثری برای آن نهاده و در آن جا گوید: «مقصود از پیر خرابات و مغان و می و جز آن اصطلاحات عرفانی می‌باشد...».

**آغاز دیباچه.** بعد از حمد و ثنای جان آفرین و درود بر ... نامش ساقی‌نامه نهاد ...

## آغاز رباعی‌ها

ساقی قدحی که کارساز است خدا      وز رحمت حق بنده نواز است خدا  
نسخه‌های آن در (مجلس 3: 536) و (دانشگاه تهران 2: 184) و (ایندیا افیس 1932 و 1933) و  
(بادلیان 1027) و (پربیتیش موزیوم. ریو 2: 659) دیده می‌شود.  
17- صدقی استرآبادی، سلطان محمد. م 952 ق. (ذریعه 9: 605) ساقی‌نامه‌ی او مثنوی است  
عرفانی به بحر تقارب و مستقل در 307 بیت.  
آغاز:

خوشا حال مستی که منصور وار      میسر شدش مستی پایدار  
نسخه‌ی آن نزد (سلطان القرائی) به خط حافظ حسین کربلایی تبریزی صاحب روضات الجنان و دو  
نسخه‌ی دیگر نزد (فخرالدین نصیری) و (ایندیا افیس 1762) هست.  
18- قاسم گنابادی در نیمه‌ی سده‌ی دهم و صاحب خمسه است. فخرالزمانی از دفتر اول و دوم  
«شهنشاهنامه طهماسبی» او، دو ساقی‌نامه که به بحر تقارب و رزمی است بیرون آورده، و نخستین  
آن‌ها در «میخانه ص 144-152» چاپ شده است.  
آغاز:

دلا گر نسیم خزان شد وزان      بهار است و میخوارگان درامان  
19- حیدر کلیچه. م 958 ق. مداح شاه طهماسب (ذریعه 9: 270). در فهرست (بادلیان) ساقی‌نامه-  
بی به وی منسوب شده است.  
20- شرف جهان (919-961) فرزند قاضی نورالهدی قزوینی (ذریعه 9: 515) ساقی‌نامه‌ی  
مستقل به بحر تقارب و عرفانی، مانند پرتوی شیرازی دارد. و در «میخانه ص 134-140» چاپ  
شده است.  
آغاز:

عجب مانده‌ام زین خم نیلگون      که صدگونه رنگ آمد ازوی برون  
21- فضولی بغدادی. م 970 ق. ساقی‌نامه‌ی فارسی به نام «هفت‌جام» در 312 بیت خطاب به  
ساقی و مغنی و مناظره با نی و دیگر آلات موسیقی دارد این ساقی‌نامه همراه دیوان ترکی او در  
1308 ق. در استانبول چاپ شده است.  
آغاز:

سراز خواب غفلت چو برداشتم      لوای فراست برافراشتم  
22- حیرتی هروی تونی کشته‌ی 970 ق. (ذریعه 9: 276) چلبی ساقی‌نامه‌ی مثنوی به بحر تقارب  
به وی نسبت داده است.  
آغاز:

بیا ساقی ای ترک رعنا من      دوچشم تو درعین نعمای من  
23- وحشی بافقی (939-991 ق.) ترجیع بندی عرفانی خطاب به ساقی دارد. لیکن چون شرط  
وزن رزمی (بحر تقارب) در آن نبوده، نام «ساقی‌نامه» بدان نداده‌اند. فخرالزمانی با یادآوری این  
موضوع آن را آورده و در «میخانه ص 155-162» چاپ شده است.  
آغاز:

ساقی بده آن باده که اکسیر وجود است      شوینده‌ی آرایش هر بود و نبود است  
24- مشفق در سده‌ی دهم. ساقی‌نامه‌ی وی در فهرست کتابخانه‌ی تاشکند ج 2 ص 26 یاد شده  
است.  
25- ثنایی مشهدی، خواجه حسین. م 996 ق. ساقی‌نامه‌ی وی مثنوی به بحر تقارب در (بادلیان  
1037) هست. و در «میخانه ص 166-174» چاپ شده است.  
آغاز:

بیا دل به میخانه‌ی اهل راز      بکش جام معنی صورت گداز  
26- عرفی شیرازی (966-1002 ق) (ذریعه 9: 712) ساقی‌نامه‌ی وی به بحر تقارب و عرفانی  
به سبک هندی سروده شده، و در «میخانه ص 183-185» چاپ شده است.  
آغاز:

بیا ساقی این تشنگی را بسنج پس از آرزوی دل ما مرنج  
نسخه‌های این ساقی‌نامه در (برلین 920 و 18 و 15) (و بلوشه 1839) و (ایند یا افیس) و  
(سپهسالار 143) و (بادلیان 1052) هست.  
27- اقدسی مشهدی. م 1004 ق. ساقی‌نامه‌ی وی در کشف‌الظنون یاد شده و در «میخانه ص  
189-194» چاپ شده و دست‌نویس آن در (ایند یا افیس 1766) هست.  
آغاز:

دلا صبح شد خیز و بکش خمار چو نرگس سر از خواب مستی برآر  
28- عسکری کاشانی، حسن فرزند حسین، که در آغاز سده‌ی یازدهم به روم و هند رفته است ساقی-  
نامه‌ی وی در «میخانه ص 380-491» چاپ شده است.  
آغاز:

دلا تاتوانی زغم شاد باش زاندیشه‌ی باطل آزاد باش  
29- صادق کتابدار (1010 ق). آقای احمد گلچین معانی ساقی‌نامه‌ی از مثنوی رزمی او «  
فتحنامه‌ی عباسی» بیرون آورده و نسخه‌ی خطی آن نزد خود او در تهران است.  
آغاز:

بیا ساقی آن ساغرم ده بدست که بر قلبگاه غم آرام شکست  
30- اسد بیک قزوینی م 1014 ق. پسر محمد مراد معروف به شیخ ابوالفضل. ساقی‌نامه‌ی وی  
مثنوی به بحر تقارب در 125 بیت است.  
آغاز:

بیا کز خرد پای برتر نهیم بفرق خردمندی افسر نهیم  
نسخه‌ی آن نزد آقای احمد گلچین معانی در تهران است.  
31- حیاتی گیلانی م 1015 ق. (ذریعه 9: 269) دو مثنوی به بحر هزج دارد. اول «سلیمان و  
بلقیس» در سه هزار بیت. دوم متمم «تعلق‌نامه» و آقای گلچین معانی ساقی‌نامه‌ی در 98 بیت از «  
سلیمان و بلقیس» بیرون آورده است.  
آغاز:

بیا ای ساقی خمخانه در دست مراد خویش را چون باده کن مست  
32- شرف زرد تبریزی م 1016 ق. (ذریعه 9: 513) در «دانشمندان آذربایجان 192» سه بیت  
از ساقی‌نامه‌ی او را که مثنوی است از «خرابات 3» نقل کرده است و در فهرست (بلوشه 1993)  
به نام میرشرف‌الدین دیده می‌شود.  
33- نوعی خوبشانی م 1019 ق. ساقی‌نامه‌ی وی در «میخانه ص 202-216» و «و مآثر  
رحیمی 3: 638-671» چاپ شده است و نسخه‌ی آن در (برلین 928) (ایند یا افیس 1485) و  
بریتیش موزیوم (ریو 2: 674) و (بادلیان) و (سپهسالار 143) هست.  
آغاز:

تویی اولین پیر میخانه‌ها بیاد تو شبگیر پیمانها  
34- سنجر کاشانی (980-1021 ق) هاشم بن حیدر معمایی (ذریعه 9: 472). ساقی‌نامه‌ی مثنوی  
در بحر تقارب در پانصد بیت دارد که در «میخانه ص 252-258» چاپ شده است.  
آغاز:

آلهی سینه‌ی درد آشنا ده غم از هر دل که بستانی بماده  
35- تقی مازندانی پسر پیرزاد مشهدی م 1021 ق. وی در «مآثر رحیمی ص 1057» شعرای  
دربار جهانگیر بر شمرده شده است. و ساقی‌نامه‌ی وی در ص 1065-1089 آن چاپ شده است.  
آغاز:

ندارم سر خصمی روزگار من وساغر و دست و دامان یار  
36- صحیفی شیرازی کتابدار و صحاف م. 1022 ق. پدر اسیری شیرازی است. ساقی‌نامه‌ی وی  
مثنوی به بحر تقارب است و در «میخانه ص 245-249» چاپ شده است.  
آغاز:

بده ساقی آن آب فکر تگذار که بیرون دهد دل از این پرده راز

37- شکبئی اصفهانی محمدرضا (964 - 1022 ق). ساقی‌نامه وی « عشرت آباد» نام دارد (ذریعه 9، 537) و در « میخانه ص 238-244» و « مآثر رحیمی 3: 88-94» چاپ شده است.  
آغاز:

بیا تا زمیخانه بستان کنیم بویرانه گشت گلستان کنیم

نسخه‌ی آن در (بادلیان 376) هست.

38- ظهوری ترشیزی نورالدین محمد (933-1024 ق). داماد ملک قمی (ذریعه 9: 656) ساقی-نامه‌ی او مثنوی به بحر تقارب است و چلبی آن را 805 بیت شمرده و دیگران آن را مثنوی و غزل و در 4000 بیت دانسته‌اند. به هر حال آن را به نام برهان نظام شاه م 961 ق. سروده است.  
آغاز:

ثنا می‌کنیم ایزد پاک را ثریا ده طارم تاک را

نسخه‌ی آن در (برلین 674 و 931) و (دانشگاه 1471 و ش 22/2618) و (بلوشه 1866) و (سپهسالار 143) و (بریتیش موزیوم - ریو 2: 678) و (تاشکند) و (ایندیا آفیس 1501) و (فخرالدین نصیری) هست.

این منظومه در « میخانه 269-321» چاپ شده و نیز به تنهایی در لکهنو 1263 ق. در 225 ص پخش شده است.

39- دیری ترشیزی ابراهیم حسینی زنده 1025 ق شاگرد نوعی خوشانی. مثنوی ساقی‌نامه به بحر تقارب دارد.

آغاز:

خمار می‌کهنه نو گشت باز مغنی تو هم ساز مستی بساز

این منظومه در نسخه‌ی خطی "میخانه" متعلق به آقای گلچین معانی است.  
40- ملک قمی. م 1025 ق. ساقی‌نامه‌ی او در « میخانه ص 262-267» چاپ شده و در (ایندیا آفیس) هست.

آغاز:

خراباتیم باده‌ی ناب کو بیابانیم چشمه‌ی آب کو

41- عتابی تکلو، حسن بیک پسر بخشی بیک م 1025 ق. ساقی‌نامه‌ی او مثنوی به بحر تقارب است و در نسخه‌ی خطی میخانه‌ی آقای احمد گلچین معانی موجود است.

آغاز:

جهان را رباطی شمر چار در تو از رفتن و آمدن بی خبر

42- فغفور گیلانی. م 1028 ق وی ترجیع بندی مستقل عرفانی دارد. و فخرالزمانی گوید: « گرچه شرط بحر تقارب در آن نیست لیکن چون مفهوم ساقی‌نامه دارد آن را آوردم ...» و در « میخانه ص 336-342» چاپ شده است.

آغاز:

ساقی بده آن باده که خورشید شرار است چون آتش گلریز بدامان بهار است

43- عارف ایگی « سراج الدین حسن» (976-1028 ق) او در سده‌ی یازدهم در بنگاله شعر به فارسی سره سروده است، و منظومه در وصف میهن خود شبانکاره سروده است. (ذریعه 9: 666) ساقی‌نامه‌ی او در « میخانه ص 427-430» چاپ شده است.

آغاز:

چه داند کسی زیر این پرده چیست رواننده‌ی چار سرمایه کیست

44- ملکی قزوینی ساقی‌نامه‌ی در 1029 ق. سروده و در آن شاه پرویز را ستوده است. در « میخانه ص 464-467» چاپ شده است.

45- 46- نظام دست غیب شیرازی. م 1029 ق. مثنوی ساقی‌نامه او در (بادلیان 1214) و (ایندیا آفیس 1534) و (برلین 1606) هست.

آغاز:

دلا چند بینی شکست خمار شکستی گرت هست در توبه آر



و نیز ترجیع بندی دارد که آغازش چنین است:  
ساقی بده آن باده که رنگ لب یار است  
آن می که رخ ساقی ازو رشک بهار است  
47- زکی همدانی م 1030ق. که مدتی مداح پرناک حاکم لار بوده است. (ذریعه 9: 403) ساقی-  
نامه‌ی او در «میخانه ص 397-401» چاپ شده است.  
آغاز:

دلا تابکی بی می لاله گون  
چو نرگس بود جام عیشت نگون  
48- اوحدی بلیانی، تقی الدین کازرونی (973-1030ق) صاحب «عرفات العاشقین» (ذریعه 9:  
173) ساقی‌نامه‌ی «نشانه بی‌خمار» مذکور در فهرست (بادلیان) به او منسوب شده است.  
49- اوجی کشمیری م 1032ق. فرزند ملا نامی کشمیری (ذریعه 9: 111) ساقی‌نامه‌ی وی مثنوی  
به بحر تقارب در «میخانه ص 493-497» چاپ شده است.  
آغاز:

چنین تا بکی ترک ساغر کنیم  
لب دل ز خون جگر ترک کنیم  
50- طالب املی م 1036ق. (ذریعه 9: 636) ساقی‌نامه‌ی او که نامش در "میخانه ص 384" آمده  
است 350 بیت از مثنوی او به نام «جهانگیرنامه» می‌باشد و نزد آقای گلچین معانی در تهران  
هست.  
آغاز:

دلا تا توانی کم آزار باش  
بهر کار چون عقل هشیار باش  
51- محمد صوفی مازندرانی. م 1025ق. چلبی، ساقی‌نامه‌ی وی را 289 بیت شمرده و در «  
میخانه ص 347-360» چاپ شده و نسخه‌اش در (برلین) هست.  
آغاز:

الا ای دل مانده از کار و بار  
به مستی و دیوانگی سر بر آر  
52- سروری کاشانی، محمداقاسم زندهء 1036ق. ترکیب‌بندی از وی به نام ساقینامه در مجموعه‌ی  
آقای گلچین آمده است.  
آغاز:

ساقی بده آن آینه‌ی روی کرم را  
آن شعله زن خرمن اندوه و الم را  
53- شفایی اصفهانی شاعر پزشک، م 1037ق. ترکیب‌بندی از وی به نام ساقینامه در «میخانه  
ص 377 - 379» چاپ شده است.  
آغاز:

ساقی بده آن روغن چشم بلسان را  
تا دست و دلی چرب کنم شعله‌ی جانرا  
54- عزتی قزوینی، عبدالنبی فخرالزمانی (998 قزوین - 1037ق. هند). وی در ساقی‌نامه‌ی خود «  
نبی» تخلص کرده است. او ساقی‌نامه‌هایی را که می‌شناخت در کتابی به نام "میخانه" گردآورد که در  
1926م. در لاهور چاپ شده است (ذریعه 9: 715). و ساقینامه‌ی خودش نیز در (ص 510-523)  
آن چاپ شده است.  
آغاز:

شبی با خرد گفتم ای پیرکار  
زمانه جوان شد ز فیض بهار  
55- امانی هندی م 1044 یا 1046ق، پسر مهابت خان، پزشک شاه جهان (ذریعه 9: 95)  
ساقینامه‌ی وی مثنوی به بحر تقارب در (ایند یا اقیس 1570) هست.  
56- مشرقی ملک م 1050ق. ساقی‌نامه‌ی وی در «میخانه ص 404-408» چاپ شده و در  
(بادلیان 1214) هست.

دلا تابکی از هجوم خمار  
چو مستان کنی گریه بی‌اختیار  
57- فیاض لاهیجی م 1050ق. مثنوی است به بحر تقارب.  
آغاز:

بیا ساقی اسباب می ساز کن  
سر خم بنام خدا باز کن  
نسخه‌ی آن مندرج در «تسکین القلوب» نوشته‌ی سده‌ی یازدهم در ترکیه است و رونوشت آن توسط  
آقای مینوی برای آقای احمد گلچین معانی به تهران ارسال شده است.

58- فرقتی، ابوتراب پسر بیک خواجه علی انجدانی معاصر سلطان محمدصفوی و فصیحی شاعر. م 1026ق. ساقی‌نامه او ترکیب‌بند است و در "میخانه 324-331" چاپ شده است.  
آغاز:

ساقی بده آن باده که ماه شب تار است      آن باده که گلگونه‌ی رخسار بهار است  
59- فروزی استرآبادی هاشم بیگ، که «بحیره» را در کشمیر نگاشته. وی در 1025ق. در دکن ساقی‌نامه‌ی ساخته و برای شاه عباس فرستاده و آن در «میخانه 444-449» چاپ شده است.  
آغاز:

در این فصل کز فیض باد شمال      نسیم ارم را دهد گوشمال  
60- باقر خردی کاشی شاگرد محمود نقطوی بود و پس از قتل عام ایشان محکوم به مرگ شده اما او استشهد آورد که نه برای تعلیم بلکه برای عشق به ماهرویی به آن مکتب می‌رفته است و از این راه شاه محکومیت او رابه تبعید به شیراز تبدیل کرد (ذریعه 9: 119) ساقی‌نامه‌ی او مثنوی تقارب در 193 بیت در مجموعه‌ی گلچین در تهران است.  
آغاز:

دلی دارم از درد ناسازتر      شبی دارم از ناله غماز تر  
61- برهان کاشی میرغروی ساکن شیراز و لار و مداح حاکم آن سامان «پرناک» بود. ساقی‌نامه او در «میخانه ص 451-456» و در «مآثر رحیمی ج 3: 1152-1168» چاپ شده است.  
آغاز:

ثنا گسترم پیر می‌خانه را      تجلی ده طور پیمانہ را  
62- رابط اصفهانی، ملک محمد شاعر سده‌ی یازدهم که از نظامی پیروی کرده است. (ذریعه 9: 344). در فهرست (بدلیان 390) ساقی‌نامه‌ی به وی نسبت داده است.  
63- رشدی، مداح‌خان خانان، که غیر از رشدی قمی است. مثنوی ساقی‌نامه به بحر تقارب از وی در «مآثر رحیمی ص 1202-1211» چاپ شده است.  
آغاز:

بیا سوی می‌خانه ایدل بیا      بیا طالب فرد کامل بیا  
64- رضی آرتیمانی شاعر اصفهانی سده‌ی یازدهم (ذریعه 9: 371) ساقی‌نامه‌ی او مثنوی در 139 بیت به بحر تقارب، در دنبال دیوان منوچهری تصحیح شیخ عبدالکریم بن عبدالحسین چ. سنگ تهران 1295ق. و چاپ دوم آن، چاپ شده است.  
آغاز:

الهی بمستان میخانه‌ات      بعقل آفرینان دیوانه است  
نسخه‌های آن در (برتیش موزیوم) و (بدلیان) و (ایند یا افیس 1522) و (برلین 674) و (سپهسالار) و (سلطان‌القرایی) و (فخرالدین نصیری) و (سید محمد جزایری در نجف) می‌باشد.  
65- شوکتی شاعر سده‌ی یازدهم. ساقی‌نامه‌ی وی مثنوی در 88 بیت به بحر تقارب در مجموعه‌ی گلچین خط 1268ق. موجود است.  
آغاز:

الهی دلم را شکستی رسان      چو دیوانه کردی بمستی رسان  
66- صفی اصفهانی شاعر سده‌ی یازدهم اصفهان (ذریعه 9: 614) ساقی‌نامه ناقص وی در «میخانه ص 548» آمده است.  
67- ضیایی جونپوری شاعر سده‌ی یازدهم چند بیت از ساقی‌نامه‌ی وی در «میخانه ص 573» آمده است.

68- طالب اصفهانی. شاعر سده‌ی یازدهم و از تبریزیانی است که به عباس‌آباد اصفهان کوچانیده شدند (ذریعه 9: 637) نصرآبادی در تذکره‌ی خویش (ص 127) ساقی‌نامه‌ی او را یاد کرده است.  
آغاز:

الهی بمستان صهبای عشق      بمجنون نهادان صحرای عشق  
69- فصیحی خراسانی در سده‌ی یازدهم. فخرالزمانی گوید: گرچه ساقی‌نامه ندارد لیکن ترکیب‌بندی به معنی ساقی‌نامه سروده است. و آن در «میخانه ص 394-396» چاپ شده است.

آغاز:

ساقیا آن قدح نور بیار آن چراغ دل منصور بیار  
70- فوجی نیشابوری فرزند ملاقیدی. ساقی‌نامه‌ی او در بریتیش موزیوم هست (فهرست ریو ج 2 ص 690).

71- کامل جهرمی، قوام الدین بن نظام الدین طباطبائی، معاصر عزتی فخرالزمانی در سده‌ی یازدهم بوده و ساقی‌نامه‌ی وی در «میخانه ص 469-477» یاد شده است.  
آغاز:

ساقی بده آن می که زیانش همه سود است چون دست و دل پیر مغان مایه‌ی جود است  
72- کلیم همدانی، ابوطالب م 1061ق. ساقی‌نامه‌ی وی در (بادلیان 1117) و (بریتیش موزیوم - فهرس ریو ج 2، 686) هست.

73- گدایی، برادر فداخان ندیم خان خانان هندی. ساقی‌نامه‌ی وی به بحر تقارب در مآثر رحیمی - ج 4 ص 1316-1327 چاپ شده است.  
آغاز:

بیا ساقی اکنون که جشن سده است دگر بار فتح در می‌کده است  
74- مایل، قطب دهلوی. نصرآبادی بعضی از اشعار ساقی‌نامه‌ی او را یاد کرده است:  
بنام چمن آفرین جهان حبابی کن شیشه‌ی آسمان

75- محب علی سندی فرزند حیدرعلی تتوی. بخشی از ساقی‌نامه‌ی وی در «میخانه» و تمام آن در «مآثر رحیمی ج 3 ص 502-513» چاپ شده. و نسخه‌ی آن در (بادلیان) هست.  
آغاز:

دلا صبح شد آفتابی برار بنیلوفری جام آبی درار  
76- مرشد بروجرودی در سده‌ی یازدهم ساقی‌نامه‌ی به نام محمد قلی پرناک حاکم لار دارد و در «میخانه 414-420» چاپ شده و در (بادلیان 613) هست.  
آغاز:

بهارست دل مست و من در خمار بیا ساقیا ساغر می‌بیار  
77- مسیحای کاشانی در سده‌ی یازدهم، ساقی‌نامه‌ی وی در «میخانه 369-375» چاپ شده است و در (بادلیان 214) هست.  
آغاز:

دلا چند ازین دست برد خمار بتاراج میخانه دستی برار  
78- مشرب کاشانی. ساقی‌نامه‌ی وی در ( ایندیا افیس 1766) هست.  
79 و 80- قدسی مشهدی، حاجی محمد جان. م 1056ق. ساقی‌نامه‌ی وی در (بادلیان) و (ایندیا افیس) و (یلوشه 1991) هست.  
آغاز:

بنام خدایی که روز نخست بپیمان‌ام کرد پیمان درست  
و نیز ترجیح بندی دارد که برگردان آن چنین است:

عمریست که در پای خم افتاده خرابیم همسایه‌ی دیوار بدیوار شرابیم  
81- ادهم همدانی تویسرکانی پسر رضی ارتیمانی م 1060ق. ساقی‌نامه‌ی او در «سروآزاد ص 84» یاد شده، و در (بادلیان) و (برلین 7-75) موجود است. از آنست:

دماغم ز میخانه بویی شنید حذر کن که دیوانه هویی شنید  
82- کلیم کاشانی همدانی میرابوطالب م 1061ق، ساقی‌نامه‌ی وی در (بادلیان 1117) و (بریتیش موزیوم) هست (ریو 2: 686).

83- سالک قزوینی میرزا ابراهیم. زاده‌ی 1021ق. و زنده‌ی 1061ق. (ذریعه 9: 419) ساقی- نامه‌ی او در (مجلس) هست (فهرست 3: 296) و سوگندنامه نیز در آن هست.  
آغاز:

بنام خدایی که از صنع پاک بگسترده خاک و برآورد تاک

84- فوقی یزدی فوق الدین احمد شاعر هزال انتقادی، معاصر شاه عباس (1052-1077ق) و صاحب خمسه‌ی هزلی (ذریعه 7: 262)، ساقی‌نامه‌ی هزلی او در (مجلس) هست. (فهرست 3: 375). دارای 54 بیت هزل انتقادی است، و نشان دهنده‌ی دشمنی هیئت حاکمه‌ی وقت مر علم و هنر را می‌باشد.

آغاز:

جوی حاصلم نیست چون از هنر کجا چینم از نخل دانش ثمر  
و در علت اقدام بهزل سرایی گوید:

در این روزگار مزخرف صفت بکارت نیاید جوی معرفت  
کسی را که شد مضحکه پیشه‌اش زگرگ حوادث چه اندیشه‌اش

85- عزت هروی م 1080ق. از امیران هند (ذریعه 9: 714-715). ساقی‌نامه‌ی وی به بحر تقارب در «مرآت الخیال. ص 121» چاپ شده است.

86 و 87- آشنای شاهجهانی. میرزا محمدطاهر پسر ظفرخان احسن هندی (00-1080ق) (ذریعه 9: 7). ساقی‌نامه‌ی مثنوی به بحر تقارب دارد (ایندیا افیس فهرست. ص 866).

آغاز:

بنام خدایی که از قدر و شان خم باده را نام کرد آسمان  
و نیز در همان فهرست. ص 867 ساقی‌نامه‌ی دیگری به روش ترجیع بند از او یاد شده است.

آغاز:

ای باده کشان مژده که ایام بهار است....

88- رشیدای زرگر عباسی شاعر شاه عباس که در 1081 ق. در گذشته ساقی‌نامه‌ی او مثنوی تقارب در مضمن دیوانش در کتابخانه‌ی ملک هست (ذریعه 9: 362) نسخه ناقص و 285 بیت است و پس از آن جواهر الاسرار او است.

آغاز:

زهی عالم از نخل صنعت بری زخمخانه‌ات نه فلک ساغری  
89- بیخودلاهوری، جامی نام‌دار خانی م 1084ق. و استاد سرخوش. (ذریعه 9: 152) ساقی‌نامه‌ی وی مثنوی به بحر تقارب است و در (ایندیا افیس 2899) هست. و در "فهرس بلوشه ص 478 ش 1915" او را عارف بی‌خود نامیده است.

آغاز:

الهی بمستان بزم نیاز ...

90- والا، اسلام خان بهادر. ساقی‌نامه‌ی خود را در 1074ق. سرود، نسخه‌ی آن در (بنگاله 271) هست.

آغاز:

بنامی کز و باده مستی گرفت ز شوقش عدم رنگ هستی گرفت  
و مثنوی دیگر به نام «رمیه» هم آن جا به شماره‌ی 272 هست که چنین آغازد:  
بده ساقی آن باده‌ی خوشگوار که غم شکر آراست از هرکنار

91- اظهری. چلبی ساقی‌نامه‌ی بوی نسبت داده گوید 129 بیت است (کشف الظنون) و شاید یکی از چند شاعر باشد که در ذریعه 9: 80-81 یاد شده است.

92- محمد رضا مشهدی. چلبی ساقی‌نامه‌ی به وی نسبت داده و گویا همان نوعی خوبشانی باشد.

93- عاشقی. چلبی ساقی‌نامه‌ی در 250 بیت به وی نسبت داده، لیکن ممکن است ترکی باشد.

94- هلالی. چلبی ساقی‌نامه‌ی بی به وی نسبت داده است.

آغاز: خوش آندم که در بزمگاه الست...

95- ملهم کاشی، فرزند ملاعلی تجلی کاشانی (ذریعه 9: 167) پدر این شاعر در 1021ق.

در گذشته است. ساقی‌نامه‌ی وی در 208 بیت در مجموعه‌ی آقای گلچین هست.

آغاز:

الهی بمستان شوریده حال بآن می که هرگز ندارد زوال

96- مشرب کاشی در عهد شاه عباس اول در تبریز درگذشته است. ساقینامه‌ی وی در (ایندیا افیس 1766) هست.

97- دوستی سمرقندی در سده‌ی یازدهم در هند. فخرالزمانی مثنوی به بحر تقارب به نام ساقینامه بدو نسبت داده که در «میخانه ص 432 - 438» چاپ شده است.  
آغاز:

بیا تا تماشای عالم کنیم سری در سراپرده غم کنیم  
98- ذهنی کشمیری، در سده‌ی یازدهم. ساقینامه‌ی مثنوی داشته و چند بیت آن در «میخانه 572» آمده است.

99- طغرای مشهدی م 1100ق. (ذریعه 9: 640) نسخه‌ی ساقینامه‌ی وی که مثنوی به بحر تقارب است و در (بادلیان) و (ایندیا افیس 1586) هست.  
آغاز:

زهی لطف سازنده‌ی آب و خاک برقص آور سبز طاوس تاک  
100- عاقل هندی خافی رازی م 1108ق. (ذریعه 9: 674). ساقینامه‌ی به نام وی در فهرست (بادلیان 1148) یاد شده است.

101- ناصرعلی سرهندی م 1109ق. ساقینامه‌ی او در (ایندیا افیس 1952) هست.  
آغاز:

بیا ساقی که فصل نو بهار است قلع گلرنگ و می مطرب هزار است  
102- اشرف مازندانی محمدسعید م 1116ق. (ذریعه 9: 78) چند بیت از ساقینامه‌ی او در «گلستان مسرت ص 433 و 438» آمده است.

103- سرخوش لاهوری (1050-1126ق). (ذریعه 9: 439) ساقینامه‌ی او در پیشگفتار چاپ کتابش «کلمات الشعرا» یاد شده است.

104- واضح. م 1129ق. میرمبارک الله ارادت خان. ساقینامه‌ی او یک دیباچه دارد.  
آغاز دیباچه

شر بنا علی ذکری الحبيب مدامه سکرنا بها من قبل ان یخلق الکرام  
آغاز متن

بهشیار مستی که تاک آفرید ...

نسخه‌ی آن در (ایندیا افیس 1674) هست.

105- بیدل دهلوی لاهوری، عبدالقادر (1054-1130ق) صاحب «سرمه‌ی اعتبار» و «سوگندنامه» و «نکات بیدل». در فهرست تاشکند 2: 297 ساقینامه‌ی به نام «محیط اعظم» به وی نسبت داده است. و هم چنین در گلستان مسرت «ص 424، 433».

106- آرزو اکبر آبادی سراج الدین علیخان (1101-1169ق). دانشمند و مؤلف هندی (ذریعه 9: ص 5) ساقینامه‌ی او در فهرست‌های (بادلیان) و (برلین) یاد شده است.

107- اشراق مراغی، میرعبدالفتاح شیخ الاسلام مراغه. م 1175ق. ساقینامه‌ی وی در 20 ص بامثنوی او «ریاض الفتوح» در تبریز به سال 1338 خ در مجموعه 20+ 52+ 22+ 7 ص چاپ شده است. و با آن تعلیقات سید یونسی و پیشگفتار از میرزا جعفر سلطان القرایی است.

108- وارد، محمدشفیع شاعر سده‌ی دوازدهم و معاصر محمدشاه هندی و نادرشاه افشار. نام ساقی-نامه‌ی او در فهرست ریو 1: 226 آمده است.

109- منشی بمرودی کرمانی، فرزند غلامرضا کرمانی که از شاگردان شیخ حرعاملی م 1104ق. و مستوفی نادر شاه بوده است. اندکی از ساقینامه‌ی او در تاریخ قهستان تألیف آیتی. ص 268 چاپ شده است.

110- میرابوطالب فندرسکی نواده‌ی میرفندرسکی فیلسوف. وی دنباله‌ی برای «حمله‌ی حیدری» منظوم باذل خراسانی ساخته. به نقل ذریعه از «ریاض العلماء» یک ساقینامه نیز سروده است (ذریعه 9: 42 ج 12).

111- راغب هندی، میرمبارک فرزند سیدعاصم، پدرانش بلخی بودند که به هند رفته و خود در مدرس 1203ق. درگذشت ساقینامه‌ی فارسی سروده است (ذریعه 9: 349).

- 112- فتح عیاشاه قاجار. م 1250ق. ساقینامه‌ی او با دیوانش در هند چاپ شده است و نسخه‌ی آن نزد سلطان القرای در تبریز و در کتابخانه‌ی (ایندیا افیس) هست. گویا این شاه می‌خواست لکه‌ی ننگ عقب‌ماندگی و شکست‌های نظامی خود را با ساختن وجهه‌ی ادبی برای خود جبران کند که این شعرها را سروده و یا دستور داده به نام او بسرایند و « خاقان » تخلص کنند.
- 113- آقا محمود کرمانشاهی م 1271ق. پسر آقا محمد علی بهبهانی است. او به عکس پدر صوفی-کش خود ذوق عرفانی داشت، و ساقینامه‌ی سرود که در « مجمع الفصحاء ج 2 ص 454 » برخی از آن چاپ شده است.
- 114- ساقی خراسانی. م 1286ق. (ذریعه 9: 416) ساقینامه‌ی او در دیوانش (ص 141-155) در مجلس هست (فهرست 3: 295).
- 115- اسرار سبزواری، حاجی ملاهادی م 1289ق. (ذریعه 9: 72) ساقینامه‌ی وی مکرراً چاپ شده است.
- 116- هدایت رضاقلی م 1298ق. ساقینامه‌ی دارد.

آغاز:

- الا ای خراباتیان الست که از باده‌ی عشق هستید مست
- 117- علی بن مهدی خراسانی م 1320ق. معروف به شیخ الرییس. ساقینامه‌ی به فارسی سروده است (ذریعه 12: 111).
- 118- ادیب کرمانی، قاسم بن زین العابدین م 1348ق. ساقینامه‌ی او به لهجه‌ی کرمانی است. به وسیله‌ی آقای گلچین معانی از منظومه‌های انتقادی او بیرون آورده شده است.

آغاز:

بده ساقی آن جام لب ریز شود که از هستیم بگسلد تار و پود

ناشناس‌ها

- اضافه بر آن چه گذشت چند ساقینامه دیده می‌شود که تاریخ سرودن آنها درست شناخته نمی‌باشد.
- 119- حکیم عطایی. ساقینامه‌ی او در فهرست (ایندیا افیس 1766) یاد شده است.
- 120- عیانی فرزند رفیقی. ساقینامه‌ی او در (ایندیا افیس 1483) هست.

آغاز:

بیا ای که عمرت بغفلت گذشت زمن گوش کن یکدم این سر گذشت

- 121- لسانی وجیه الدین. ساقینامه‌ی او در فهرست (بریتیش موزیوم) یاد شده است (ریو 2: 657).
- 122- منشی محمدصادق. ساقینامه‌ی او در فهرست کتابخانه‌ی تاشکند ج 2 ص 831 یاد شده است.
- 123- نابی. ساقینامه‌ی به نام او در فهرست (بادلیان 1203) یاد شده است.
- 124- نشمی. ساقینامه او در فهرست (بادلیان 1241) یاد شده است.
- 125- نافع درویش مولوی. ترجیع بند ساقینامه به نام او در فهرست (بلوشه 1880) دیده می‌شود.
- 126- نظر. ساقینامه‌ی به نام او در فهرست (بادلیان 1241) دیده می‌شود.
- 127- هاشم نقشبندی پسر محمدقاسم. ساقینامه‌ی او به نام « سبعمی سیاره » است و برای اختر سروده است (ایندیا افیس 2898).
- 128- آگاه، نظام الدین، احمد. ساقینامه‌ی او در فهرست (بادلیان 173) یاد شده است.
- 129- ژسوانت رای منشی هندو. ساقینامه‌ی داشته که در فهرست (ایندیا افیس) یاد شده است.
- 130- غیاثا. شاعری غیر از منصف یاد شده است، و شاید حلوایی باشد. ساقینامه‌ی وی نزد آقای گلچین معانی هست و 80 بیت می‌باشد.

آغاز:

زهی بهر تسبیحت ای نور پاک بکف سبچه از خوشه بگرفته تاک

- 131- مسیحی. ساقینامه‌ی او را که جزو « گوی و چوگان » او است. تقی اوحدی و واله در « ریاض الشعراء » یاد کرده‌اند.

آغاز:

ساقی وحدت قدحی از خم آر باز رهان جان مرا از خمار

نسخه‌ی ناقص آن نزد آقای گلچین معانی در تهران هست.

- 
- 1- مقاله‌ی آقای جعفر محبوب مجله‌ی سخن. اردیبهشت 39ص 78-79.
  - 2- عبدالنبی فخرالزمانی در "میخانه" در باره‌ی کسانی که ساقی‌نامه به بحر تقارب ندارند گوید: گرچه ساقی‌نامه ندارد لیکن ترجیع‌بندی به روش ساقی‌نامه دارد ... میخانه ص 37 و 38.
  - 3و4- بخش خصایص منظومه‌های حماسی از کتاب حماسه‌سرایی در ایران دیده شود.
  - 5- چون تاریخی بودن و یا اساطیری بودن در هر دو نوع حماسه‌ی ملی و تاریخی دیده می‌شود، من بهتر دیدم که خاصیت « اشرافی» بودن را که جداکننده‌ی نوع دوم است ممیز آن‌ها از « حماسه‌ی ملی» قرار دهم.